

دو فصلنامه بین المللی تحقیقات حقوق قضایی

License Number: 86227 Article Number: Y2Q308762 ISSN-P: 2717-1132

بررسی اثرات ساختار نظام حقوقی ایران

با توجه به عقلانیت کیفری مجرم در پیشگیری از جرایم

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۳/۱۲)

افشین مداح

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده

ساختار نظام حقوقی ایران علاوه بر مزایا و اثرات مثبت حقوقی که در جامعه دارد، دارای خلاءهایی اساسی بوده است، به نحوی که این خلاءها زمینه به وجود آمدن جرایم بسیاری را رقم میزنند. نظریه ذهن محاسبه گر مجرمانه و عقلانیت کیفری جرمی بنتام توضیح دهنده علت ارتکاب جرایم در اثر وجود خلاءهای قانونی در ساختار حقوقی ایران بوده است. به طور کلی بیان میدارد که هر مجرم برای ارتکاب جرم، عواید ناشی از جرم را به همراه مجازاتها و دردهای در آینده مورد محاسبه عقلانی قرار داده و در نهایت تصمیم گیری میکند که جرم مورد نظر را انجام بدهد یا از آن منصرف گردد. بستری که ذهنیت مجرمانه در آن به محاسبه درد و لذت ناشی از جرم میپردازد، ساختار نظام حقوقی و قوانین کیفری کشور میباشد. بنا بر این نظریه، قوانین و مجازاتهای قانونی، نیمه دیگر این محاسبه گری و عقلانیت کیفری بوده و در به وجود آمدن و همچنین ممانعت از جرایم نقش به سزایی دارند. تدوین قوانین کیفری مناسب میتواند زمینه ارتکاب بسیاری از جرایم را از بین برده و یا فراهم نماید. قوانین و نحوه اجرای قوانین و مقررات به مثابه زمینه و بستری میباشد که مجرمین در محاسبات ذهنی و اقتصادی خود همواره بدانها توجه کرده و در تصمیم گیری و انتخاب عقلانی خویش، از آنها بهره میجویند و اعمال خویش را بر اساس محاسبات ذهنی که به صورت اقتصادی و حقوقی بوده است، بروز داده و دست به اقدامات میزنند.

واژگان کلیدی: جرمی بنتام، مکتب کلاسیک، عقلانیت کیفری، ذهنیت مجرمانه محاسبه

گر، پیشگیری از جرایم، قوانین کیفری

مقدمه

با توجه به بررسی بسیاری از جرایمی در حوزه حقوق ایران، در مواردی میتوان به نقش مکمل بودن قوانین کیفری در به وجود آوردن زمینه جرایم و یا ممانعت از به وجود آوردن جرایم پی برد. قوانین کیفری بستر و زمینه اولیه برای انتخاب عقلانی مجرم برای تصمیم گیری در مورد جرم میباشد. قوانین کیفری به همراه اجرای آنها و پارامترهای مرتبط با اجرای قانون در کشور ایران، یکی از مهمترین و موثرترین عناصری است که در ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم توسط مجرمین بالقوه نقش دارند. میزان مجازات هر جرم در قانون کیفری و مجازات ایران، به همراه اجرایی شدن قوانین جزایی و کیفری و چگونگی این اجرا از لحاظ، سرعت در رسیدگی، سرعت و حتمیت و قطعیت در رسیدن به مجازات، شدت مجازات از عمده ترین عواملی بوده اند که در ذهن مجرم بالقوه، اثرگذاری داشته و در فرایند تصمیم گیری، وی را همراهی مینمایند. به عنوان مثال در مورد پرونده قتل رومینا اشرفی^۱ وقتی از پدر وی پرسیده میشود که چرا بهمن خاوری^۲ را نکشتی و دختر خودت را نکشتی؟ در پاسخ میگوید که اگر بهمن خاوری را میکشتم قصاص میشدم، پس دختر خود را کشتم تا قصاص نشوم. در همین جمله ساده میتوانیم نظری جرمی بنتام در مورد ذهنیت محاسبه گر مجرمانه را به وضوح ببینیم. همه مجرمین دارای عقلانیت کیفری میباشد. اکثر آنان برای ارتکاب جرم، دست به محاسبه بر اساس قوانین کشور میپردازند. به طور واضح میتوان به اثر چند ماده قانونی در مورد ارتکاب به جرم توسط پدر رومینا اشرفی، پی برد. ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی^۳ مصوب ۱۳۹۲، ماده قانونی است که زمینه ارتکاب جرم توسط پدر رومینا اشرفی را به وجود آورده است. مواد دیگر در مورد قتل مثل ماده ۲۹۰ ق.م.ا ۱۳۹۲ و سایر مواد مشابه از جمله موادی از قانونی میباشد که مانع از ارتکاب جرم پدر رومینا اشرفی در مورد بهمن خاوری بوده است. همانطور که مشاهده میگردد، گویی یک حقوق دان با محاسبه اقتصادی جرم، دست به ارتکاب قتل دختر زده است و از ارتکاب

^۱ رومینا اشرفی دختر بچه ۱۳ ساله تالشی بود که توسط پدر در حالی که خواب بود به قتل رسید. پدر وی با داس سر فرزند خود را جدا میکند و در نهایت خشونت وی را به قتل میرساند.

^۲ بهمن خاوری جوان ۲۸ ساله تالشی بود که با رومینا اشرفی ارتباط نامشروع داشته است.

^۳ ماده ۳۰۱ ق.م.ا ۱۳۹۲: قصاص در صورتی ثابت میشود که مرتکب، پدر یا از اجداد پدری مجنی علیه نباشد و مجنی علیه، عاقل و در دین با مرتکب مساوی باشد.

قتل پسر متجاوز سر باز زده است. به عبارتی مجرمین در فرآیند تصمیم‌گیری مجرمانه تبدیل به حقوق دانان و اقتصاد دانانی میگردند و این عقلانیت کیفری آنان در انتخاب و تصمیم‌گیری آنان نقش مهم و موثری دارد. اکنون میخواهیم این ذهنیت محاسبه‌گر و عقلانیت کیفری را با توجه به قوانین جزای کشور ایران مورد بررسی قرار داده و به این مهم پی بریم که علت بسیاری از جرایمی که در کشور ایران به وقوع میپیوندند، ریشه در خلاءهای قانونی داشته است.

بخش اول: اهمیت و ضرورت پژوهش

از آنجایی که در جامعه کشور ایران، میزان بزهکاری و جرایم در هر شکل (چه جرایم خشن و چه جرایم یقه سفید) رقمی بالا بوده است و با توجه به اینکه اکثر مجرمینی که مرتکب جرایم گوناگون میگردند، ذهنیت محاسبه‌گر داشته و با اهرم عقلانیت کیفری، تصمیمی‌گیری کرده و بعد جرم را مرتکب میگردند، لازم است نگاهی انتقادی به حوزه قوانین و ابعاد مرتبط با قوانین جزایی کشور داشت تا بتوان با اصلاح قوانین جزایی، در ارتکاب بسیاری از جرایم ممانعت به عمل آورد. با توجه به اینکه در مورد نظریه آقای بنتام، عموماً پژوهشی که به زمینه‌های انتخاب عقلانی مجرمین پرداخته باشد، تاکنون وجود نداشته است، لذا این پژوهش دارای اهمیت بوده و میتواند نگاهی جدید را عرصه قانون‌گذاری و اجرای قوانین داشته باشد.

• هدف و سوالات تحقیق

هدف اصلی این تحقیق عبارتست از شناسایی اثراتی که ساختار و نظام حقوقی ایران بر روی ذهنیت و عقلانیت کیفری مجرمین گذارده و آنها را در ارتکاب جرایم همراهی مینماید. سوال اصلی این است که؛ ساختار نظام حقوقی ایران چه اثراتی بر عقلانیت کیفری مجرم داشته و در پیشگیری از جرم موثر میباشند؟

• فرضیه تحقیق

به نظر میرسد ساختار نظام حقوقی کشور ایران و قوانین جزایی و کیفری آن، یکی از عوامل مهم در تصمیم‌گیری با توجه به عقلانیت کیفری مجرم و ذهنیت محاسبه‌گر وی میباشند و این ساختار در ارتکاب جرایم و ممانعت از آنها نقش بسزایی دارد.

بخش دوم: مبانی نظری

بند اول: مفهوم شناسی

مکتب کلاسیک : یکی از اولین مکاتب حقوقی جزایی کیفری بوده است که در ایجاد تحولات کیفری نقش بسزایی داشته است. از اندیشمندان و پایه گذاران این مکتب حقوقی میتوان به منتسکیو^۱ ژان ژاک روسو^۲ سزار بکاریا^۳ جرمی بنتام^۴ اشاره نمود. مطالعه دقیق تاریخ حقوق جزا نشان می دهد که حقوق جزا هم مانند سایر بخش های علم حقوق راه توسعه و تکامل خود را تحت تاثیر تحولات اجتماعی و توسعه های علمی پیموده است. ولی در این میان سهم و تاثیر عقاید و افکار فلسفی اواخر قرن ۱۸ میلادی از هر عامل دیگری بیشتر بوده است. به این دلیل بعضی از حقوق دانان کیفری مبدا پیدایش مکتب کلاسیک حقوق جزا را به زمان انتشار کتاب روح قوانین منتسکیو به سال ۱۷۴۸ میلادی می دانند و او در این کتاب مجازاتهای آن عهد را که از انتقام اجتماعی الهام می گیرد به شدت مورد انتقاد قرار داده است و در مورد ارزش نسبی قوانین جزایی سخن گفته است. به طوری که قوانین و مقررات جزایی هر کشور بایستی با نهادهای اجتماعی و تحول موسسات سیاسی و اجتماعی همان ملت متناسب و هماهنگ باشد و با مجازات های شدید و رسوا کننده مخالفت می کند و معتقد به مجازاتهای ملایم و اجرای حتمی و قطعی آنهاست. ^۵ مصطفی زاده، تاریخ تحولات حقوق کیفری، ص ۲۳) اندیشمند بعدی در مکتب کلاسیک ژان ژاک روسو بود. در ۲۸ ژوئن ۱۷۱۲ در ژنو به دنیا آمد. کتابهای او هلوئیز جدید، امیل و قرار داد اجتماعی است. به اعتقاد روسو، انسان ذاتا آزاد از قید و بندهای اجتماعی است زیرا آزاد به دنیا آمده اما چون بناچار در اجتماع زندگی می کند اختیارات خود را به جامعه طبق پیمانی تفویض می کند که از آن جمله حق مجازات است و لذا اگر جرمی واقع شود جامعه است که مجازات می کند و نه فرد، لذا مجازاتها باید طوری باشد که فایده اجتماعی داشته باشد، البته روسو مجازاتهای شدید چون اعدام را نفی نمی کند اما در مجازات به خشونت

^۱ شارل دو منتسکیو ۱۶۸۹-۱۷۵۵ فرانسه.

^۲ ژان ژاک روسو Jean-Jacques Rousseau ۱۷۱۲-۱۷۷۸ ژنو.

^۳ چزاره بکاریا ایتالیایی Cesare Beccaria: ۱۷۳۸ - ۲۰ نوامبر ۱۷۹۴

^۴ جرمی بنتام Jeremy Bentham ۱۷۴۸-۱۸۳۲ فیلسوف، حقوقدان و اصلاح گر اجتماعی انگلیسی بود. او به

عنوان بنیانگذار سودمندگرایی مدرن شناخته می شود

^۵ مصطفی زاده، فهیم، ۱۳۹۵، تاریخ تحولات حقوق کیفری، ص ۲۳

زیاد اعتقاد ندارد^۱. (ملک محمدی، نظریه های جرم شناسی، ص ۴۹) اندیشمند دیگر در مکتب کلاسیک سزار بکاریا میباید. بکاریا در ۱۵ مارس ۱۷۳۸ میلادی در میلان ایتالیا به دنیا آمده و بعد از بازدید از زندانهای میلان به امید نجات بی گناهی به مطالعه و تحقیق در نظام قانون گذاری کیفری پرداخت و پس از ده سال در سال ۱۷۶۴ کتاب کوچکی به نام جرائم و مجازاتها را نوشت که در سال ۱۷۶۶ در فرانسه منتشر شد و ظرف ۶ ماه هفت بار به چاپ رسید. به طور کلی اصول فکر بکاریا عبارتند از: الف - ضروری بودن مجازاتها: جامعه به قانون گذار طبق قرار داد اجتماعی قدرت می دهد. ولی این قدرت در هنگام تصویب قوانین باید به نفع جامعه توجه داشته باشد. امتیاز این کار جلوگیری از تکرار جرم مجرمان در آینده می باشد. او کیفری را درست می داند که بتواند آرامش اجتماع را تضمین کند و کیفری را که از حد لازم برای سلامت اجتماع بیرون رود نادرست است. ب - یقینی بودن و قاطعیت مجازات: به طوری که می نویسد این شدت کیفر نیست که از جرم پیشگیری می کند بلکه قطعی بودن یا حتمی بودن مجازات می باشد. و برای اینکه مجازات تاثیر خوبی داشته باشد کافی است که رنج حاصل از آن بیش از سودی باشد که از جرم عاید می شود پ - فایده اجتماعی مجازات: با توجه به اینکه نظم اجتماعی با ارتکاب جرم مختل شده است باید کیفری برای آن پیشبینی کرد، اما این مجازات باید اولاً فردی و ثانیاً حتمی و یقینی باشد تا فایده ای از آن عاید اجتماع شود. نتایج افکار بکاریا نیز بدین شرح میباید: وی قانون گذار را به حذف مجازاتهای شدید فرا می خواند و بخصوص کیفر اعدام را در مورد جرائم عمومی مورد حمله قرار می دهد ولی در جرائم سیاسی آن را می پذیرد. بنابراین به نظر بکاریا مجازات اعدام حق نیست بلکه ستیز ملتی است علیه بزهکار به دلیل اینکه ملت نابودی او را ضروری می داند و چون به جلوگیری از ارتکاب جرم اهمیت می دهد اصلاح قوانین جزایی را پیشنهاد می کند. بعلاوه قبول حق عفو، الغای شکنجه، محدود کردن قدرت قضاوت را لازم می داند و در ضمن مجازاتها باید صریح و روشن بوده و به اطلاع عموم برسد و در واقع او از اولین کسانی بود که به ضرورت سودمندی مجازاتها نظر داشت. در نهایت پیشنهادات بکاریا نیز عبارتند از: الف- اصلاح قوانین: اصل قانونی بودن جرم و مجازاتها و در نتیجه محدود شدن اختیارات گسترده و خودکامه قضاوت و نیز برقرار

^۱ ملک محمدی، حمید رضا، نظریه های جرم شناسی فرانک پی ویلیامز، ۱۳۹۸، ص ۴۹

شدن مجازاتهای ثابت. ب- شکل رسیدگی : وارد آوردن اتهام به طور مخفی یا شکنجه ممنوع است و جعل مدرک از ناحیه دولت و استفاده غیر اخلاقی رای اثبات بزهکاری باید متوقف شود. ج- در مورد محاکمه و رفتار با متهم : محاکمات باید با سرعت انجام شود و رفتار با مجرمان باید توأم با عطف و مهربانی باشد. تشریفات دادرسی باید به طریق اتهامی و علنی و تدافعی باشد. د- در مورد اجرای حکم و اصلاح مجرم : اگر در اعمال مجازاتها بیشتر از زندان استفاده شود برای جامعه و نیز جهت اصلاح مجرم مفید است پس باید برای اصلاح وضع زندانیها کوشید. در ضمن لازم به ذکر است که بکاریا از اشاعه دهندگان اندیشه جدایی حقوق کیفری از دین و حتی از اخلاق فردی است! (ملک محمدی، نظریه های جرم شناسی، ص ۵۱) به طور کلی مکتب کلاسیک، اولین مکتب در حوزه حقوق کیفری بوده است که تحت تاثیر بسیار از مکتب اقتصادی هم دوره خویش بوده است. تا جایی که اصولی حقوقی برگرفته از این مکتب اقتصادی نیز همگی مبتنی بر اصول اقتصادی چون ؛ آزادی اقتصادی، آزادی گرای، اصالت فرد، اصالت مطلوبیت و فایده گرایی مبتنی بوده است. نگاه اقتصادی این مکتب حقوقی در قانون گذاری و ایجاد مجازاتهای متناسب و دربرگیرنده منفعت اجتماعی موثر بوده و همچنین اجرای قانون را متأثر گردانیده است.

جرمی بنتام : فیلسوف انگلیسی متولد ۱۷۴۸ و از پایه گذاران مکتب اصالت سودمندی است. بنتام هم مانند روسو معتقد به نفع اجتماعی مجازات می باشد و در کتاب خود به نام رساله ای در مورد مجازاتها و پاداش ها که در سال ۱۸۱۸ انتشار یافت و در تدوین قوانین کیفری پس از انقلاب فرانسه مفید بود، به مفید بودن کیفر به شرط ضرورت اشاره می کند. به عقیده او افراد را فایده جویی هدایت می کند و انجام جرم نیز به خاطر سود احتمالی است که مجرم آرزومند آن است و اما بزهکار با توجه به مجازات جرمی که قصد انجام آن را دارد به بررسی نفع و ضرر می پردازد و اگر کیفر به نحوی شدید ولی با اندیشه کامل بر ضرورت آن انتخاب شده باشد از انجام جرم خودداری می کند. او در حالی که سخت به اجرای مجازات پایبند است، اضافه می کند که هیچ مجازاتی نباید نسنجیده اجرا شود و برای اینکه همگان از آن پند بگیرند، بایداز نظر شدت و حتمیت و سایر جهات به درجه ای باشد که سودمندی و ضرورت آن را تضمین کند و در واقع پیشگیری از ارتکاب جرم کند.

^۱ ملک محمدی، حمید رضا، نظریه های جرم شناسی فرانک پی ویلیامز، ۱۳۹۸، ص ۵۱

بنام برای کیفر دو ارزش قائل می‌شود: ارزش ظاهری و ارزش واقعی، ارزش ظاهری رنج احتمالی است که حسب توصیف کیفر یا دیدن اجرای آن در تصور عموم انسانها نقش می‌بندد ولی ارزش واقعی رنج کامل کیفر است، تمام رنجی است که در اجرای کیفر احساس می‌شود. تحت تاثیر مجموعه عقاید و افکار این دانشمندان، در اواخر قرن ۱۸ میلادی در فرانسه نهضت اصلاح طلبی در قوانین جزایی شروع شد. زندان‌های قدیم پاریس منهدم شدند، مردم خواستار تجدید نظر و اصلاح قوانین جزایی و حذف مجازاتهای شدید آن عهد شدند. همچنین در قانون جزایی انقلابی سال ۱۷۹۱ فرانسه نیز اصول مهمی چون برقراری اصل قانونی بودن جرم و مجازاتها، اصل تساوی مجازاتها و برقراری سیستم مجازاتهای ثابت برای جلوگیری از خودکامگی قضاوت، حذف عفو پادشاه، الغای مجازاتهای شدید بدنی و سالب آزادی، محدودیت مجازات اعدام و ملایمت در مجازاتها، برقراری سیستم دادرسی به روش اتهامی در محاکمات و امکان حضور هیات منصفه در جریان دادرسی و پیش بینی و تصویب شد. ولی این اصلاحات علی‌رغم امیدها و انتظارات تدوین‌کنندگان آن در عمل نتایج مطلوبی به بار نیاورد.^۱ (مصطفی زاده، تاریخ تحولات حقوق کیفری، ص ۳۳)

ذهنیت محاسبه گر مجرمانه: نظریه گزینش حسابگرانه که ریشه در اصول علم اقتصاد دارد، بر این باور است که افراد به‌سان تاجران اقتصادی، در رفتارهای خود در بسترهای مختلف به دنبال کسب حداکثر سود هستند. تبلور این نظریه در قلمرو حقوق کیفری موجب شکل‌گیری این ایده می‌شود که تصمیمات جنایی محصول نهایی تفکر بزهکاران بالقوه است. از این‌رو بزهکاران با تحلیل‌های هزینه-فایده و کسب حداکثر سود در قبال کم‌ترین هزینه‌ها، به‌سوی پدیده‌های مجرمانه روی می‌آورند. در این رویکرد، بزهکاران به‌مثابه کنش‌گران اقتصادی، با سامان‌دهی تصمیمات خویش، در پی آنند تا با ارتکاب جرم به بیشترین لذت دست یابند.^۲ (الهام، دانش ناری، ۱۳۹۳)

نظریه گزینش حسابگرانه یکی از نظریاتی است که در پی تبیین و تحلیل کنش‌های رفتاری در بسترهای مختلف علوم انسانی است. در این بستر، انسان‌ها، کنش‌گرانی هستند

^۱ مصطفی زاده، فهیم، ۱۳۹۵، تاریخ تحولات حقوق کیفری، ص ۳۳

^۲ الهام، غلامحسین، دانش ناری، حمید رضا، ۱۳۹۳، تاملی بر نظریه گزینش حسابگرانه بنیانها و قلمرو، دوفصلنامه

علمی تخصصی تحول در علوم انسانی

که بر اساس اصالت سود و کسب حداکثر فایده، رفتارهای خویش را تنظیم می‌نمایند. راهبرد اصلی این نظریه، تکیه بر ساز و کارهایی است که حداکثر منافع را در قبال کمترین هزینه برای انسان‌ها به ارمغان آورد. این نظریه که ریشه در افکار اقتصاد دانان کلاسیک دارد، انسان‌ها را به مثابه کنش‌گران اقتصادی^۱ در نظر می‌گیرد. در این مفهوم، انسان در پی انجام رفتاری است که منافع بیشتری را برای وی به همراه داشته باشد. بر اساس اصول کلی این نظریه، تمامی انسان‌ها موجوداتی هدفمند هستند و سلايق خود را بر اساس درجه اهمیت، رتبه‌بندی می‌نمایند. از طرفی بهترین‌گزينش، زمانی حاصل می‌شود که راهبرد اتخاذی منجر به حداکثر سود شود، اصل حداکثر سود و حداقل هزینه متأثر از علم اقتصاد در دیگر رشته‌های علوم انسانی از جمله علوم سیاسی، علوم اجتماعی، جغرافیا، حقوق و... نیز مطرح می‌گردد. ژرمی بنتام^۲ فیلسوف انگلیسی بر اساس نظریه اصالت لذت، نظریه گزينش حسابگرانه را در قلمرو حقوق کیفری مورد بررسی قرار داده است. بر اساس نظریه بنتام که ریشه در جرم‌شناسی کلاسیک دارد، بزهکاران با توجه به رویکردهای هزینه- فایده روی به سوی پدیده‌های مجرمانه می‌آورند. بر این اساس چنانچه بزهکاران، منافع حاصل از ارتکاب جرم را بیشتر از هزینه‌های آن برآورد نمایند، به‌سوی ارتکاب جرم سوق پیدا می‌کنند و در نقطه مقابل چنانچه هزینه‌های حاصل از ارتکاب جرم بیشتر از منافع آن باشد، از ارتکاب جرم انصراف می‌دهند. بنابراین بر اساس این نظریه، بزهکاران به‌مثابه کنش‌گران اقتصادی در پی به دست آوردن حداکثر سود در قبال کم‌ترین هزینه می‌باشند. بر اساس افکار بنتام و پس‌از آن، گاری بیکر^۳ اقتصاددان قرن هفدهم، بزهکار فردی است هدفمند و ورود وی به دنیای مجرمیت جهت کسب حداکثر سود است. پیش‌فرض بنیادین در این

^۱Economical actors.

^۲Germey Bentham.

^۳Classic criminology.

Cost-benefit approaches.

Gary bicker.

نظریه آن است که بزهکار با توجه به منافع و هزینه‌های حاصل از ارتکاب جرم، به‌سوی پدیده‌های مجرمانه حرکت می‌کند.^۱ (الهام، دانش ناری، ۱۳۹۳)

عقلانیت کیفری : نظریه انتخاب عقلانی در زمینه علوم جنایی که در این مقاله از آن به «عقلانیت جنایی» تعبیر می‌کنیم، به مثابه یک فراروایت، مسئله محاسبه‌گری را به تمامی بزهکاران تعمیم داده؛ به شکلی که همواره راهکار پیشگیری از وقوع جرم و پاسخ‌دهی مناسب به آن را افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم می‌داند. امروزه به علت بروز ناکارایی در رویکردهای مبتنی بر بازدارندگی، تردیدهای زیادی نسبت به پیش‌فرض بنیادین آن، یعنی نظریه انتخاب عقلانی نیز وارد شده است. با وجود این تردیدها به نظر می‌رسد که همچنان هسته مرکزی نظریه انتخاب عقلانی با منطق قانون‌گذاری کیفری در بسیاری از نظام‌های حقوقی گره خورده و این نظریه است که سیاست‌های کنترل جرم را هدایت می‌کند. (الله وردی، محرابی، ۱۳۹۸)

بخش سوم: پیشینه تحقیق

در زمینه تحقیقات داخلی میتوان به تحقیقات بسیاری که در این زمینه وجود دارد، اشاره نمود. الله وردی و محرابی در تحقیق خود در مورد انتخاب عقلانی و ذهنیت محاسبه‌گر مجرمانه می‌پردازند. به طور کلی آنان بیان میدارند که: نظریه انتخاب عقلانی در زمینه علوم جنایی که در این مقاله از آن به «عقلانیت جنایی» تعبیر می‌کنیم، به مثابه یک فراروایت، مسئله محاسبه‌گری را به تمامی بزهکاران تعمیم داده؛ به شکلی که همواره راهکار پیشگیری از وقوع جرم و پاسخ‌دهی مناسب به آن را افزایش هزینه‌های ارتکاب جرم می‌داند. امروزه به علت بروز ناکارایی در رویکردهای مبتنی بر بازدارندگی، تردیدهای زیادی نسبت به پیش‌فرض بنیادین آن، یعنی نظریه انتخاب عقلانی نیز وارد شده است. با وجود این تردیدها به نظر می‌رسد که همچنان هسته مرکزی نظریه انتخاب عقلانی با منطق قانون‌گذاری کیفری در بسیاری از نظام‌های حقوقی گره خورده و این نظریه است که سیاست‌های کنترل جرم را هدایت می‌کند. ما در این نوشتار با رویکردی انتقادی، به دنبال

^۱ الهام، غلامحسین، دانش ناری، حمید رضا، ۱۳۹۳، تاملی بر نظریه گزینش حسابگرانه بنیانها و قلمرو، دوفصلنامه

علمی تخصصی تحول در علوم انسانی

^۲ الله وردی، فرهاد، محرابی، علی، ۱۳۹۸، «عقلانیت جنایی»؛ محدودیت‌ها و چالش‌ها (با تأکید بر جرائم خشونت‌بار)

توضیح محدودیت‌های نظریه انتخاب عقلانی در حوزه علوم جنایی بوده و برای انضمامی کردن بیشتر بحث بر جرائم خشونت‌بار تمرکز می‌کنیم. حوزه جرائم خشونت‌بار با وجود آنکه خود آماج اصلی سیاست و برنامه‌های برآمده از نظریه انتخاب عقلانی است، به خوبی می‌تواند محدودیت‌های این نظریه را بازنمایی کند. نتیجه نقد دقیق و همه‌جانبه «تلقی رایج» از نظریه انتخاب عقلانی، بازخوانی «سیاست‌های رایج کنترل جرم» است. در پرتو این نقد و درک محدودیت‌هاست که خوانش‌های جدید از این نظریه، امکان طرح می‌یابند. (الله وردی، محرابی، ۱۳۹۸) الهام و دانش ناری در تحقیق خود به ذهنیت محاسبه‌گر مجرمانه می‌پردازند. به طور کلی آنان بیان میدارند که: رفتارهای خود در بسترهای مختلف به دنبال کسب حداکثر سود هستند. تبلور این نظریه در قلمرو حقوق کیفری موجب شکل‌گیری این ایده می‌شود که تصمیمات جنایی محصول نهایی تفکر بزهکاران بالقوه است. از این‌رو بزهکاران با تحلیل‌های هزینه- فایده و کسب حداکثر سود در قبال کم‌ترین هزینه‌ها، به‌سوی پدیده‌های مجرمانه روی می‌آورند. در این رویکرد، بزهکاران به‌مثابه کنش‌گران اقتصادی، با سامان‌دهی تصمیمات خویش، در پی آنند تا با ارتکاب جرم به بیشترین لذت دست یابند. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی- تحلیلی است. به‌منظور تبیین دقیق نظریه‌گزینش حسابگرانه، با استفاده از روش نمونه‌پژوهی، با تعدادی از بزهکاران بافت سنتی شهر مشهد، مصاحبه‌های عمیقی به عمل آمد. انجام مصاحبه با بزهکاران و تحلیل یافته‌های حاصل از مطالعات میدانی، جهت بررسی تطابق این نظریه با واقعیات پدیده‌های بزهکارانه صورت گرفته است. یافته‌های این پژوهش، نشان می‌دهد، امعان نظر به برخی جرائم و بزهکاران از قلمرو عام نظریه‌گزینش حسابگرانه می‌کاهد. از این‌رو جرائم جنسی، جرائم خشونت‌بار و جرائم مبتنی بر نفرت از جمله جرائمی است که این نظریه در مورد آن‌ها صادق نیست. بر اساس نوع بزهکاران نیز، بزهکاران یقه آبی، مجانین و اطفال از شمول این نظریه خارج می‌شوند. از طرفی تبیین نظریه‌گزینش حسابگرانه در پرتو گفتمان فقه امامیه با تکیه بر پیامدهای دنیوی و اخروی ارتکاب جرم، جلوه‌ای جامع‌تر از این‌گو را ارائه می‌دهد. (اللهام، دانش ناری، ۱۳۹۳)

صادقی و پروین نیز در تحقیق خود به مطالعه ذهنیت مجرمانه محاسبه‌گر و رابطه اش با گفتمان و قدرت می‌پردازند. به طور کلی آنان بیان میدارند که: در یک تقسیم‌بندی تاریخی می‌توان تئوری‌های جرم‌شناسی را به کلاسیک، روشنگری، مدرن و انتقادی تقسیم‌بندی

کرد. بعد از مطرح شدن پارادایم‌های فکری کلاسیک و اثباتی، این پارادایم‌ها در دهه ۱۹۵۰ به وسیله پارادایم انتقادی با نقد اساسی مواجهه شد. از مهم‌ترین نظریه‌هایی که در این پارادایم مطرح شد می‌توان به نظریه‌های انگ زنی (برچسب زنی)، جرم‌شناسی تضادی (مارکسیستی)، جرم‌شناسی فیمینیستی، جرم‌شناسی فرهنگی، سازه‌گرایی و جرم‌شناسی پست مدرن اشاره کرد. در این تئوری‌ها، تبیین جرم و شناخت عوامل موثر بر آن، بر خلاف آن چیزی که در پارادایم‌های پیشین به آن توجه شد، فارغ از ارزشها و منافع صورت نمی‌پذیرد. از منظر پارادایم انتقادی جرم تعریف شدنی است و عنصر قدرت آن را علیه افراد حاشیه‌ای تر و ضعیف‌تر بکار می‌گیرد. به علاوه جرم لزوماً در عالم واقعیت وجود ندارد بلکه این افراد صاحب نفوذ و قدرتمند هستند که آن را بر می‌سازند. مقاله حاضر تلاش دارد تا با رویکرد تحلیلی-تاریخی به بررسی نظریه‌های جدید جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی انحرافات با تأکید بر مفاهیم گفتمان، ذهنیت و قدرت بپردازد. تأکید اصلی مقاله بر رویکردهای جدید جرم است که عمدتاً از دهه ۱۹۵۰ میلادی مطرح شدند؛ ویژگی اصلی این رویکردها ضمن انتقادی بودن توجه به مفاهیم گفتمان، ذهنیت و قدرت است.^۱

حبیب زاده و صادقی در پژوهش خویش در مورد ذهنیت مجرمانه محاسبه‌گر و همسویی با قوانین کیفری می‌پردازند و به طور کلی بیان می‌دارند که: در دوره‌های مختلف تاریخ تحولات کیفری در ایران همواره نهادهایی برای کیفرزدایی مورد شناسایی قانون‌گذار قرار گرفته است. لکن با توجه به اقدامات زمینه‌ساز در سطح سیاست‌گذاری و برنامه‌ای و مدیریتی در نظام عدالت کیفری گذشته، دوره جدید قانون‌گذاری (از ۱۳۹۲ به بعد) را دوره گسترش سیاست کیفرزدایی می‌توان نامید. دوره‌ای که با حبس‌زدایی و اعدام‌زدایی، نویدبخش عزم قانون‌گذار در اجرای این سیاست است. با وجود این، به نظر می‌رسد اگرچه در سطح روبنا، چهره قانون‌گذار ارفاق‌آمیز و مصلحت‌اندیشانه است، ولی از نظر عمق سیاست‌گذاری، در قوانین عام و خاص، نشانه‌هایی از ناهمسویی با سیاست کیفرزدایی و یا عدم اطمینان به مقررات نوین هم‌چنان پابرجاست و یا حتی می‌توان ادعا کرد که در دوره جدید افزایش یافته است. در این مقاله، با رویکردی توصیفی تحلیلی، چهار عامل از این ناهمسویی‌ها و کیفرافزایی‌ها شامل جرم-انگاری‌های جدید و مکرر، عدم ضابطه‌مندی در

^۱ صادقی فسایی، سهیلا، پروین، ستار، ۱۳۹۰، جرم بر ساخته ذهنیت گفتمان و قدرت، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی

گزينش فتوای معيار برای قانون گذاری کيفرزدا، کيفرگرایی های الحاقی تبعی و نیز کيفرزدايي آيين نامه ای مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته و پيشنهادهایی برای اصلاح آن ها ارایه شده است. (جعفرزاده، صادقی، ۱۳۹۹)

بخش چهارم: خلاءهای پژوهشی

از انجا که این تحقیقات به طور کلی به مجرمین پرداخته است و ذهنیت آنان را مورد توجه قرار داده و در نهایت به ابعاد اقتصادی و حقوقی ذهنیت محاسبه گر مجرمین میپردازد و عقلانیت کيفری آنان را مورد سنجش و ارزیابی قرار میدهد. آنچه در این بین کمتر مورد توجه قرار گرفته است، نقش مهم و موثر قوانین کيفری و جزایی و نحوه اجرای قوانین و مقررات میباشد. قوانین و اجرای آنها، یکی از مهمترین ارکان و عناصر تجزیه تحلیل ذهنیت مجرمانه محاسبه گر بوده و جزء جدایی ناپذیر عقلانیت کيفری میباشد، لذا با توجه به این خلاء تحقیقاتی، این پژوهش بدین امر مهم پرداخته است.

بخش پنجم: چارچوب نظری پژوهش

از آنجا که این تحقیق به روش کیفی انجام می شود از چارچوب نظری که مبنای فرضیه های تحقیق قرار میگیرد بی نیاز است با این حال پرداختن به مباحث ذهنیت مجرمانه محاسبه گر و علانیت کيفری به همراه قوانین کيفری جزایی و نحوه اجرای قوانین و مقررات برای این پژوهش، چارچوب مفهومی فراهم می کند که راهنمای محقق در خوانش و تفسیر داده های جمع آوری شده خواهد بود.

بخش ششم: مدل مفهومی پژوهش

با توجه به اینکه مجرمین در ارتکاب جرم و انجام رفتارهایشان، همواره محاسباتی اقتصادی حقوقی دارند. آنان بر پایه قوانین کيفری و نحوه اجرای قوانین، تجربیاتی اجتماعی حقوقی می یابند که در تحلیل اقتصادی آنها برای ارتکاب جرم و انجام رفتارهای مجرمانه موثر و مهم است. آنها دارای فرمول و معادله ای بوده اند که نام آن فرمول و معادله، ذهنیت محاسبه گر مجرمانه و یا عقلانیت کيفری است. قالب کلی این فرمول محاسبه سود و زیان حاصل از اقدام مجرمانه میباشد. آنان لذت حاصل از فعالیت مجرمانه را در برابر مجازات احتمالی آینده که برایشان ناخوشایند است، قرار داده و دست به مقایسه و در نهایت انتخاب

^۱ حبیب زاده، محمد جعفر، صادقی، ولی الله، ۱۳۹۹، ناهمسویی های قانونی با سیاست کيفرزدايي در ایران

میزنند. بنابراین محتوا و ماهیت فرمول و معادله عقلانیت کیفری، توسط قوانین و مقررات و اجرای آنها میباشد. این قوانین داده هایی هستند که جدول هزینه فرصت اقتصادی مجرمان را کامل کرده و او را تا انتخاب نهایی همراهی میکنند. گاهی این همراهی به شکل مثبت بوده است و مجرم را به این نتیجه میرساند که دست از ارتکاب جرم بردارد، چرا که درد ناشی از انتخابش، بسیار بزرگتر از سود حاصله خواهد بود و گاهی این همراهی به شکل منفی بوده است و مجرم را به این نتیجه میرساند که دست به ارتکاب جرم بزند، چرا که سود ناشی از انتخابش، بسیار بزرگتر از درد حاصله خواهد بود. به عنوان مثال در مورد قتل رومینا اشرفی، پدر با توجه به مواد ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و سایر مواد قانونی که مکمل ماده فوق الذکر میباشد، در نهایت به این نتیجه میرسد که پسر متجاوز را به قتل نرساند. چرا که با این اقدام مرتکب جرم قتل عمد شده و با مجازات قصاص روبرو میگردد. و همچنین با توجه به ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به این نتیجه میرسد که دختر خود را به قتل برساند. چرا که سود حاصل از این اقدام مجرمانه که برایش به شکل اعداء حیثیت و آبرو بوده است، از درد ناشی از مجازات که نهایتاً ۱۰ سال حبس بوده است، بسیار بیشتر بوده است. اگر مجازات چنین اقدامی، قصاص بود، هرگز دست به این اقدام نمیزد، چرا که گویا این شخص در ابتدا جاننش برایش مهم و ارزشمند بوده است و در درجه بعدی آبرویش برایش اهمیت داشته است. بدون شک تجربیات و دانش یک حقوق دان به شکل مشاوره به او در این تصمیم گیری کمک نموده است. در این انتخاب ساده، شاهد مفاهیمی اقتصادی، حقوقی هستیم که در انتخاب و تصمیم گیری این شخص بسیار مهم و موثر بوده اند. بدون شک وجود قوانینی دیگر، از جمله موارد مرتبط با اجرای مجازات و نظام آزادی مشروط و موارد دیگری که به نحوه اجرای مجازات مربوط بوده است، مشوق و محرک و عامل اطمینان خاطر وی برای ارتکاب بدین عمل و رفتار بوده است.

بخش هفتم: روش شناسی

بند اول: روش تحقیق

داده های این مقاله با رویکرد توصیفی-تحلیلی و به روش کیفی و با ابزار مصاحبه جمع آوری می شوند. در این تحقیق رویکرد روایت پژوهی مورد استفاده قرار می گیرد. روایت پژوهی یعنی داستان های زیسته و نقل شده (کراسول، ۱۳۹۴، ۷۴-۷۶). روایت پژوهی

اشکال متعددی دارد و از شیوه‌های تحلیلی متنوعی استفاده می‌کند که ریشه در رشته‌های مختلف علوم اجتماعی و انسانی دارد. واژه «روایت» را می‌توان به هرگونه متن یا گفتمانی نسبت داد یا این‌که از آن برای اشاره به حالت خاصی از پویا در پژوهش کیفی استفاده کرد که کانون تمرکز آن داستان‌های نقل‌شده توسط افراد است. اما در مجموع روایت، متنی گفتاری یا نوشتاری است که حاکی از یک رویداد/ اقدام یا مجموعه‌ای از رویدادها/ اقدامات است که پیوندی تقویمی با هم دارند. محققان برحسب استراتژی‌های تحلیل، نوع متفاوتی از روایت پژوهی را برمی‌گزینند. از روش نمونه‌گیری هدفمند (تعمدی) استفاده شد و تلاش شده است تا حد امکان کسانی برای مصاحبه انتخاب شوند که خود دست‌اندرکار سیاستگذاری قضایی و قانونی در کشور بودند و اطلاع دست‌اول دارند. گردآوری داده‌های تحقیق از طریق مصاحبه مزایای بسیاری دارد و امکان می‌دهد تا فرد پاسخگو دیدگاه‌هایش را کامل‌تر و بهتر از زمانی که به سوالات پرسشنامه یا مصاحبه ساخت یافته پاسخ می‌دهد بیان کند. موزر و ناگل (۲۰۰۲) مصاحبه با متخصصان را نوعی مصاحبه نیمه ساخت یافته می‌دانند. در این جا برخلاف مصاحبه‌های زندگینامه نگارانه به مصاحبه شونده نه به عنوان یک شخص، بلکه به قابلیتش به عنوان متخصص در یک حوزه خاص توجه می‌شود. متخصصان نه به عنوان یک مورد منفرد بلکه به منزله نمایندگان یک گروه از متخصصان خاص در نمونه گنجانده می‌شوند. راهنمای مصاحبه در اینجا کاربرد رهنمودی بیشتری در خصوص حذف موضوعات بی حاصل دارد. مشکل هدایت در اینجا خود را بیشتر نشان می‌دهد، چون فردی که با او مصاحبه می‌شود بیشتر به منزله صاحب توانایی و قابلیت‌های خاصی مورد توجه است تا به منزله یک شخص. در تفسیر مصاحبه با متخصصان هدف عمدتاً تحلیل و مقایسه محتویات دانش متخصصان است. نمونه‌ها در این نوع مصاحبه بر اساس نمونه‌گیری تدریجی انتخاب می‌شوند. (فلیک، ۱۳۸۷: ص ۱۸۴-۱۸۳)

یکی از روش‌های ساده و کارآمد تحلیل کیفی، تحلیل مضمون است. در واقع، تحلیل مضمون، اولین روش تحلیل کیفی است که پژوهشگران باید یاد بگیرند. این روش، مهارت‌های اساسی مورد نیاز برای بسیاری از تحلیل‌های کیفی را فراهم می‌کند. مضمون‌الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود و حداقل به توصیف و سازماندهی مشاهدات و حداکثر به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد (کمالی، ۹۷) پژوهشگر در تحلیل مضمون، مباحث مهم مطرح شده در متن را استخراج می‌کند. فرایند تحلیل مضمون شامل یک رفت

و برگشت مستمر بین مجموعه داده‌ها و خلاصه‌های کدگذاری شده و تحلیل داده‌هایی است که به وجود می‌آیند. تحلیل مضمون فرایندی بازگشتی است که در آن حرکت به عقب و جلو در بین مراحل ذکر شده وجود دارد.

بند دوم: روایی و پایایی تحقیق

تحقیق پیش رو در نظر دارد تعریفی جامع و گسترده از ذهنیت مجرمانه محاسبه گر و عوامل دخیل در انتخاب مجرمانه بر اساس عقلانیت کیفری ارائه نماید. این تعریف میتواند بستر بسیاری از جرایم را تقلیل داده و این رویکرد نظری شناختی میتواند نیمی از مسیر عملی درمانی را پیموده و از این حیث، دارای نوآوری مخصوص به خود میباشد.

بخش هشتم: یافته های تحقیق

بند اول: ساختار نظام حقوقی ایران

به طور کلی ۴ نظام حقوقی عمومی و گسترده در جهان وجود دارد که عبارتند از نظام حقوقی کامن لا، رومی ژرمنی، سوسیالیستی و نظام حقوقی اسلام. با توجه به اینکه نظام حقوقی ایران ترکیبی از نظام حقوقی رومی ژرمنی و نظام حقوقی اسلام میباشد، لذا دارای ساختار منحصر به خویش بوده و این ساختار، علمکرد قضایی متناسب با خود را ارائه میدهد. اکنون زمان آن است که، به وجهی از این ساختار نظام حقوقی توجه نمود که مرتبط با مجرمین و متهمین در حوزه ارتکاب جرایم میباشد. قبل از هر چیزی لازم است توجه گردد که زمانی که در مورد متهم یا مجرم صحبت میگردد، قبل از اینکه به حقوق بشر توجه شود، لازم و ضروری است که در نظر گرفته شود که آن متهم، همان شخصی است که تهدید انجام داده است، توهین کرده است، مرتکب کلاهبرداری شده است، مرتکب جرایم مختلف بوده است. چنین شخصی که به خویش اجازه داده است و پا را فراتر از آزادی خویش نهاده و به حقوق دیگران و جامعه تجاوز نموده است؛ وقتی صحبت از حقوق متهم، مثل اصل برائت و تفسیر قوانین به نفع متهم و تفسیر مضیق قوانین کیفری و موارد دیگر میشود، در واقع صحبت از همین شخص نامبرده است. با توجه به این مقدمه به مباحثی در ساختار نظام حقوقی ایران پرداخته میگردد که در ذهنیت محاسبه گر مجرمان اثر بسیار مهم دارد.

بند دوم: عنصر قانونی در نظام حقوقی نوشته

نظام حقوقی ایران بر خلاف نظام کامن لا از نظام حقوقی نوشته یا رومی ژرمنی تبعیت میکند. در حوزه حقوق کیفری برای احراز جرم نیاز به ۳ عنصر قانونی و مادی و روانی دارد. عنصر قانونی همان مواد قانونی است که در متن قوانین عادی وجود دارد. بدون این مواد قانونی نمیتوان کسی را مجرم دانست. ماده ۲ قانون مجازات اسلامی جرم را چنین تعریف میکند که هر گونه رفتار اعم از فعل یا ترک فعل که برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم نام دارد. به عبارتی اگر جرمی در ماده قانونی تعریف نگردد، از ناحیه یک شخص قابلیت انتساب ندارد. این امر کاملاً برخلاف رویه نظام حقوقی کامن لا میباشد. در نظام حقوقی کامن لا نیازی به تعریف جرم نیست. رفتار جدید یک شخص که باعث آسیب به دیگران گردد میتواند تبدیل به جرم گردد و بعد از آن تبدیل به قانون شود. محدودیت در عناوین مجرمانه، قدرت مجرمان را برای رسیدن به مقاصد مجرمانه نامحدود میکند. هر چه گستردگی عناوین مجرمانه در نظام حقوقی ایران کاهش یابد، میزان رفتارهای پر ضرر بیشتر میگردد و تعداد مجرمین که بیشتر از قوانین نوشته شده، موارد احصا نشده قوانین را در نظر میگیرند، بیشتر میشود.

بند سوم: اصل برائت

اصل برائت از اصول احصا شده در قانون اساسی است. این اصل باعث میگردد که در قانونگذاری در زمینه قوانین عادی، از جمله قانون آیین دادرسی کیفری و مدنی و قوانین جزایی، اشکالاتی عمده سر بزند و زمینه خلق مجرمین را بسیار زیاد گرداند. اصل برائت باعث میگردد که مقام قضایی اعم از تعقیب و تحقیق و رسیدگی، در ابتدا ادله اثبات لازم را کسب نماید و سپس شخصی را در جایگاه مظنون و متهم بودن وارد نماید و تحت تعقیب قرار دهد. همین اصل علاوه بر اینکه مزایای بیشماری دارد ولی یکی از بزرگترین عیوب آن، ایجاد بستری مناسب برای مجرمین است تا بتوانند با عدم ارائه مدرک و نگذاشتن هیچگونه ردی راه را برای جمع آوری ابتدایی ادله اثبات با صعوبت و سختی مواجه کرده و ادامه راه را برای مقام قضایی با بن بست روبرو نمایند.

بند چهارم: اصل تفسیر مضیق

از دیگر اصول حقوقی نظام حقوقی ایران اصل تفسیر مضیق قوانین ماهوی و قوانین جزایی است. این اصل باعث کوچک شدن میدان تفسیر و کاهش مصداقها و رفتارهای

مجرمانه می‌گردد. مجرمین با تکیه بر این اصل، تغییراتی کوچک در رفتار مجرمانه خود به وجود می‌آورند و با تکیه بر این اصل، رفتار خود را از میدان مصداقی جرم مورد نظر خارج می‌گردانند. غایت مجرمانه در اینگونه موارد حفظ شده است ولی مصداق مجرمانه احراز نمی‌گردد به خاطر منطبق نبودن مفهوم با رفتار مجرم.

بند پنجم: اصل تفسیر به نفع متهم

اصل تفسیر به نفع متهم باعث می‌گردد در موارد سکوت قانون و در مواردی که قانون نیاز به روشن شدن دارد و مبهم مانده است، جایگاه قضاوت به نفع متهم نگاه خویش را برگردانده و زمینه خروج متهم از جرم را مهیا نماید. این اصل کاملاً با اصل برائت همخوانی دارد و متأسفانه قدرت مجرمین را برای ارتکاب جرم بیش از پیش مینماید. این اصل باعث می‌گردد که مجرمین با چنگال قانون مواجه نباشند و در عوض قانون را به عنوان پناهگاهی محکم و امن برای خویش یابند.

بخش نهم: قوانین جزایی و کیفری

قوانین نقش بسیار مهم و موثری را در انتخاب عقلانی مجرمان دارند. این قوانین هستند که میزان درد و رنج حاصل از اجرای جرم، در ذهن محاسبه گر مجرم را تشکیل می‌دهند. اگر این قوانین به میزان لازم درد در آینده را برای مجرم تداعی نکنند و یا اصلاً تدابیر قانونی برای ایجاد درد و رنج حاصل از رفتار متجاوزانه نگردند، آنگاه تبدیل به یکی از مهمترین ارکان عقلانیت کیفری و انتخاب ذهنیت مجرمانه محاسبه گر مجرم میشوند.

بند اول: قوانین مانع

به طور کلی قوانین مانع آن دسته از قوانینی هستند که در جرم انگاری، مجازاتی متناسب را برای رفتار ارتكابی پیش بینی نموده اند. این جرم انگاری مناسب سبب می‌گردد که بسیاری از مجرمین بالقوه با تفکر به دردهای ناشی از مجازات و عقلانیت کیفری دست به این اقدامات نزده و از ارتکاب به آن دسته از جرایم سر باز زنند. اگرچه همیشه افرادی وجود دارند که این جرم را انجام می‌دهند و علل مختلف برای ارتکاب جرم آنها وجود دارد ولی طیف وسیعی از افراد و مجرمین بالقوه آن را انتخاب نمی‌کنند، چرا که دردهای بزرگی برایشان در اثر انتخاب کردن، در انتظار است. یکی از این جرایم قتل عمد است. مجازات اعدام و قصاص، دردی بزرگ است و در ذهنیت محاسبه گر مجرمان نقش یک مانع بزرگ را

ایفا میکند. لذا تراکم نسبی جرم قتل به میزان زیادی کاهش می یابد و هر کسی که به قتل فکر میکند، لزوماً آن را انجام ندهد و ارتکاب آن را انتخاب نمیکند.

بند دوم: قوانین مداخله گر

عدم وجود قانون و جرم انگاری در موارد خاص استثنایی و یا وجود قوانینی که زمینه و بستر مناسبی میباشند که اقدامات مجرمانه ای صورت پذیرد و یا قوانینی که جنبه بازدارندگی ندارند، جزء دسته قوانینی هستند که در ذهنیت مجرمانه محاسبه گر، نقش مداخله گر داشته و در عقلانیت کیفری، نقش زمینه و بستری مناسب برای ارتکاب افراد به جرم میگردند. این دسته از قوانین، نیاز به اصلاح دارند تا بتوانند با اصلاح مجازات های متناسب، نقش مانع در عملکرد مجرمان داشته باشند. به عنوان مثال مجرمینی در زمینه اپلیکیشن ها و نرم افزارهای کاربردی دست به اقدامات مجرمانه زده و کلاهبرداری های کوچکی انجام میدهند. آنها در محاسبات خویش، به قربانی و تفکرات او میپردازند. به عنوان مثال تصمیم میگیرند که از هر شخصی ۱۰۰ هزار تومان کلاهبرداری کنند. مسلماً مال باخته ای که ۱۰۰ هزار تومان از دست داده است بعد از اینکه قربانی میشود و مال از دست میدهد، تجزیه تحلیل اقتصادی میکند برای اقدام قضایی متناسب و عملکرد و عکس العمل نشان دادن. تا قبل از سال ۹۹ و قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، کلاهبرداری جرمی بوده است که جنبه عمومی جرم باعث ورود دادستان برای شروع تعقیب بوده است ولی با توجه به این قانون و در زمره جرایم قابل عفو درآمدن، این جرم جنبه عمومی خویش را از دست داد و این جرایم تنها با شکایت شاکی خصوصی مورد پیگرد و تعقیب قرار میگیرند. با توجه به اینکه قربانیان و طعمه های این مجرمین، هزینه فرصت انجام میدهند، تعداد بسیاری از شکایت صرف نظر میکنند و این مجرمین با خیال راحت تر میتوانند دست به ارتکاب آزادانه جرم بزنند، بدون اینکه نگران تعقیب قضایی از ناحیه دادستان باشند.

بخش دهم: ارزیابی جرم

نظریه گزینش حسابگرانه نشأت گرفته از افکار فایده باورانی چون بکاریا و بنتام است. بکاریا در رساله جرائم و مجازاتها بر این باور است که انسانها حسابگرند. بنتام نیز

در کتاب اصول اخلاقی و قانون‌گذاری معتقد است، بزهکاران بالقوه، هزینه‌ها و فواید حاصل از ارتکاب جرم را قبل از ارتکاب بزه محاسبه می‌نمایند. (گربر و جانسون، ۲۰۰۷: ۲۴۸).^۱ این ایده که انسان‌ها با انگیزه کسب حداکثر سود، اعمال خود را سامان می‌دهند، ریشه در اصول علم اقتصاد دارد. گری بیکر برنده جایزه نوبل اقتصاد معتقد است که جز در موارد استثنایی چون بزهکاران مجنون، دیگر بزهکاران با سنجش هزینه‌ها و فواید ارتکاب جرم و به‌کارگیری تحلیل‌های هزینه-فایده به سوی ارتکاب جرم حرکت خواهند کرد. (سیگل، ۲۰۱۱: ۸۴) آدام اسمیت اقتصاددان اسکاتلندی قرن هفدهم نیز نظریه‌های اقتصادی خویش را بر اساس نظریه گزینش حسابگرانه تبیین می‌کند. وی معتقد است انسان‌ها به‌واسطه نیروی عقلانی و بر اساس سلايق شخصی، قادرند حداکثر سود را در روابط اجتماعی و اقتصادی خویش به دست آورند (اومس، ۲۰۰۰: ۳).^۲ نظریه گزینش حسابگرانه در بسترهای علوم اجتماعی نیز بر این پیش‌فرض استوار است که کنش‌گران اجتماعی با تمرکز بر فواید حاصل از ارتباط با دیگران، به دنبال کسب حداکثر سود هستند (هدستورم، ۲۰۰۴: ۶).^۳ بنابراین در قلمرو حقوق کیفری، نقطه آغازین نظریه گزینش حسابگرانه، معقول و محاسبه‌گر پنداشتن بزهکاران است. بر این اساس رفتارهای مجرمانه محصول نهایی تصمیمات حسابگرانه بزهکاران است. بنابراین جرم محصول انتخاب افراد است و تصمیمات جنایی محصول محاسبه به‌شمار می‌آیند. در این نظریه، بزهکار به‌عنوان یک انسان حسابگر و معقول ترسیم و مطالعه می‌شود. بنابراین رفتارهای جنایی در این بستر، محصول تفکر و برنامه‌ریزی دقیق بزهکاران است. رویه‌های حسابگرانه، نه تنها تصمیم به ارتکاب جرم را از جنبه عوامل شخصی مورد بررسی قرار می‌دهد، بلکه عوامل وضعی را نیز مورد توجه قرار می‌دهند. عوامل شخص ناظر بر اهداف خاص بزهکار چون کسب مال، انتقام و... است.

^۱Gerber and Jenson

^۲Siegel

Adam smith.

Ooms

^۳hedstorm

Personal factors

^۴Situational factors

عوامل وضعی نیز آماج مناسب، تدابیر امنیتی اتخاذی توسط بزهکار و احتمال حضور نیروهای پلیس را دربرمی گیرد. بر این اساس بزهکار قبل از ارتکاب جرم با سنجش متغیرهای مختلفی چون احتمال موفقیت، احتمال تعقیب، شدت کیفر احتمالی، احتمال عفو و... به سوی ارتکاب جرم حرکت خواهد کرد. از این رو چنانچه منافع حاصل از ارتکاب جرم بیش از هزینه‌های آن باشد، بزهکاران بالقوه، آماج مناسب را قربانی اعمال خود می‌نمایند. بنابراین بزهکاران قبل از ارتکاب جرم، به‌طور نظام‌مند عمل می‌کنند. شرط ورود بزهکاران به دنیای جرم، کسب منافع بالا با خطر پایین است. در مقابل بزهکاران بالقوه با سنجش احتمال تعقیب و محکومیت، ترس از پیامدهای کیفر، احساس شرم و گناه و... از ارتکاب جرم انصراف خواهند داد. با توجه به مطالب فوق، می‌توان عناصر بنیادی نظریه^۴ گزینش حسابگرانه را تبیین نمود.

بخش یازدهم: ارزیابی خطرات جرم

بر اساس این رویکرد، بزهکاران بالقوه پیش از ارتکاب جرم با تحلیل‌های ریسک محور، میزان خطرات احتمالی ناشی از ارتکاب بزه را مورد بررسی قرار می‌دهند و در صورت بالا بودن میزان خطرات، از ورود به دنیای مجرمیت پرهیز می‌نمایند. بزهکاران بالقوه در ارزیابی‌های ریسک محور، شاخص‌های مختلفی را در نظر می‌گیرند که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌نماییم.^۵ (الهام، دانش ناری، ۱۳۹۳)

بند اول: احتمال کشف جرم

بر اساس این شاخص، بزهکاران با ارزیابی میزان احتمال کشف جرم، به پدیده‌های مجرمانه روی می‌آورند. چنانچه بزهکاران قادر باشند جرائم موردنظر خود را در قالب جرائم

Likely offenders

Suitable targets

Basic elements.

^۴ الهام، غلامحسین، دانش ناری، حمید رضا، ۱۳۹۳، تاملی بر نظریه گزینش حسابگرانه بنیانها و قلمرو، دوفصلنامه علمی تخصصی تحول در علوم انسانی

^۵Risk-oriented analysis.

آپارتمانی امرتکب شوند، احتمال کشف پایین آمده و بزهکاران با سنجش هزینه- فایده به سوی ارتکاب جرم حرکت خواهند نمود. در عوض چنانچه جرم ارتكابی، از جمله جرائم خیابانی باشد، به نظر می‌رسد احتمال کشف جرم افزایش یابد.^۴ الهام، دانش ناری، (۱۳۹۳)

بند دوم: احتمال تعقیب

بزهکاران با استفاده از تحلیل‌های هزینه- فایده احتمال تعقیب جرم ارتكابی توسط کنش گران عدالت کیفری^۴ را مورد بررسی قرار می‌دهند. چنانچه احتمال تعقیب به دلایلی چون رؤیت پذیری جرم^۵، گشت‌های مراقبتی پلیسی و... بالا باشد، بزهکاران از ارتكاب جرم انصراف می‌دهند و در عوض چنانچه احتمال تعقیب پایین باشد، بزهکاران بالقوه با انتخاب آماج مناسب، به سوی پدیده‌های مجرمانه روی می‌آورند.^۶ الهام، دانش ناری، (۱۳۹۳)

بند سوم: احتمال محکومیت

در این رویکرد، بزهکاران به مثابه کنش گران اقتصادی در پی آنند تا با وجود ارتكاب جرم، با ضمانت اجراهای کیفری مواجه نگردند. از این رو بزهکاران غالباً در پی آنند تا در بستری مرتکب جرم گردند که از حیث ادله اثبات جنایی^۷، بزه دیده را با چالش مواجه سازند. بر این اساس بزه دیده، با اعلام شکایت، قادر به اثبات جرم ارتكابی نخواهد بود و متهم با کسب منافع حاصل از ارتكاب جرم، از بهای پرداختی آن می‌گریزد. یکی دیگر از تحلیل‌های هزینه- فایده در این بستر، شناسایی مناسبت‌های عفو، توسط بزهکاران پایدار است. این مجرمین با توجه به زمان مناسب‌های عفو، زمان ارتكاب جرم خویش را تنظیم می‌نمایند. بر این اساس مجرمین با کسب منافع حاصل از جرم، تن به حبس‌های کوتاه‌مدت داده و پس

^۱Suit crimes.

^۲Street crimes.

^۳ الهام، غلامحسین، دانش ناری، حمید رضا، ۱۳۹۳، تاملی بر نظریه‌گزینه‌های حسابگرانه بنیانها و قلمرو، دوفصلنامه

علمی تخصصی تحول در علوم انسانی

^۴Criminal justice actors.

^۵Visibility of crime.

^۶ همان

Criminal evidence.

از عفو احتمالی، از منافع حاصل از ارتکاب جرم استفاده می‌نمایند. (الهام، دانش ناری، ۱۳۹۳)

نتیجه گیری و پیشنهاد

الف) نتیجه گیری

ساختار و نظام حقوقی از جمله موارد بسیار موثر و مهم در عقلانیت کیفری مجرم بوده است و از جمله عوامل یا موانعی است که در ارتکاب جرم میتواند بسیار مهم بوده باشد. به طور کلی بر اساس این پژوهش نتیجه میگیریم که هر مجرم برای ارتکاب جرم، عواید ناشی از جرم را به همراه مجازاتها و دردهای در آینده مورد محاسبه عقلانی قرار داده و در نهایت تصمیم گیری میکند که جرم مورد نظر را انجام بدهد یا از آن منصرف گردد. بستری که ذهنیت مجرمانه در آن به محاسبه درد و لذت ناشی از جرم میپردازد، قوانین کیفری کشور میباشد. بنا بر این نظریه، قوانین و مجازاتهای قانونی، نیمه دیگر این محاسبه گری و عقلانیت کیفری بوده و در به وجود آمدن و همچنین ممانعت از جرایم نقش به سزایی دارند. تدوین قوانین کیفری مناسب میتواند زمینه ارتکاب بسیاری از جرایم را از بین برده و یا فراهم نماید. قوانین و نحوه اجرای قوانین و مقررات به مثابه زمینه و بستری میباشد که مجرمین در محاسبات ذهنی و اقتصادی خود همواره بدانها توجه کرده و در تصمیم گیری و انتخاب عقلانی خویش، از آنها بهره میجویند و اعمال خویش را بر اساس محاسبات ذهنی که به صورت اقتصادی و حقوقی بوده است، بروز داده و دست به اقدامات میزنند.

ب) پیشنهادات

اولین نیاز قانونی و قضایی کشور، اصلاح ساختار نظام حقوقی در کشور ایران میباشد. مطابق با این پژوهش پیشنهاد میگردد که در مقام تقنین و قانون گذاری، به گونه ای عمل گردد که زمینه به وجود آمدن مجرمین کاهش یافته و نزدیک به صفر گردد. به گونه ای قانونگذاری به عمل آید که مجرمین با عقلانیت کیفری نتوانند جرمی را انجام دهند و در ذهنیت خود برای ارتکاب یک جرم با چالشهای بزرگ و اساسی مواجه باشند. سپس

^۱ الهام، غلامحسین، دانش ناری، حمید رضا، ۱۳۹۳، تاملی بر نظریه گزینش حسابگرانه بنیانها و قلمرو، دوفصلنامه علمی تخصصی تحول در علوم انسانی

پیشنهاد می‌گردد که با ورود تکنولوژی به حوزه های جرم شناسی و ابعاد پیشگیری از جرم، زمینه رشد و نمو مجرمین به حداقل ممکن برسد.



منابع و مأخذ

- ۱- مصطفی زاده، فهیم، ۱۳۹۵، تاریخ تحولات حقوق کیفری، ص ۲۳
- ۲- ملک محمدی، حمید رضا، نظریه های جرم شناسی فرانک پی ویلیامز، ۱۳۹۸
- ۳- الهام، غلامحسین، دانش ناری، حمید رضا، ۱۳۹۳، تاملی بر نظریه گزینش حسابگرانه بنیانها و قلمرو، دوفصلنامه علمی تخصصی تحول در علوم انسانی
- ۴- الله وردی، فرهاد، محرابی، علی، ۱۳۹۸، عقلانیت جنایی؛ محدودیت‌ها و چالش‌ها (با تأکید بر جرائم خشونت‌بار)
- ۵- صادقی فسایی، سهیلا، پروین، ستار، ۱۳۹۰، جرم بر ساخته ذهنیت گفتمان و قدرت، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی
- ۶- حبیب زاده، محمد جعفر، صادقی، ولی الله، ۱۳۹۹، ناهمسویی های قانونی با سیاست کیفرزدایی در ایران
- ۷- جانی پور، کرم، محمدی، مرضیه، ۱۳۹۴، قطعیت اجرای کیفر در حقوق ایران.
- ۸- یاری حاج عطالو، رحیم؛ ۱۳۹۲، سیاست‌های جنایی ایرار در برابر جرایم یقه سفیدی با تأکید بر پیشگیری کیفری، فصلنامه علمی مطالعات بین المللی پلیس، مقاله ۱، دوره ۴، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۹۲، صص ۱۱ تا ۳۴.
- ۹- حبیب زاده مومن، بهنام؛ وروایی، اکبر؛ ۱۳۹۶؛ واکاوی سیاست جنایی ایران در قبال جرایم یقه سفید، فصلنامه علوم اجتماعی شوشتر، سال یازدهم، زمستان ۱۳۹۶.
- ۱۰- موسوی مجاب، سید درید، ۱۳۸۳، بزهکاران یقه سفید، فلصنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۳، شماره ۸، پاییز ۱۳۸۳.
- ۱۱- نصیری، مصطفی؛ ۱۳۹۳، ساز و کار کنترل جرایم یقه سفید با تکیه بر الگوهای کیفری و غیر کیفری، فصلنامه علمی پژوهشی کارآگاه، دوره ۷، پاییز ۱۳۹۳.
- ۱۲- صادقی، احمد رضا، مقاله: سیاست جنایی مشترک منطقه‌ای عاملی موثر در پیش‌گیری از جرایم و مواد مخدر، ماهنامه عدالت، شماره ۸۶، سال دوازدهم، ۱۳۸۹.
- ۱۳- مداح، افشین؛ ۱۳۹۸، مکانیسم مبارزه با مفاسد اقتصادی شبکه ای در اقتصاد ایران، انتشارات برتراندیشان.
- ۱۴- مداح، افشین، ۱۳۹۹، الف میم و ۱۰۱ دزد حرفه ای، انتشارات جهش یادگیری.